

بررسی آوایی «همزه» و دشواری‌های آن در قرائت قرآن و کتابت مصحف

محمد رضا حاجی اسماعیلی

دانشگاه اصفهان

چکیده:

یکی از دشوارترین مباحث دانش قراءات قرآن که از دیرباز تاکنون بین قاریان و کاتبان وحی مورد مناقشه و گفتگو بوده است، شیوه خواندن و نگاشتن کلمات همزه‌دار قرآن است. خاستگاه این تنازع دوران موسوم به جاهلیت اعراب و اندکی پیش از نزول قرآن است. بنابر گزارش‌های تاریخی، گویش قبیله‌های بزرگ قریش و تمیم در منطقه غربی حجاز و شرقی نجد جزیره‌العرب در شیوه تلفظ همزه متفاوت بوده است و با نزول قرآن که نمونه عالی زبان فصیح عربی یعنی زبان ادبی مشترک تلقی گردیده هر دو گویش قریش و تمیم در قرائت قرآن راه یافته است به طوری که گویش قریش که مبتنی بر تخفیف همزه بوده در قرائت منسوب به حجاز کاملاً تأثیر گذاره و گویش تمیم که قائل به ادای کامل همزه با ویژگی «نبر» یا تحقیق همزه است در قرائت قاریان منسوب به کوفه و عراق نمایان گردیده است. از طرف دیگر ارزیابی آواشناسان از ویژگی آوایی همزه متفاوت است به طوری که مطالعات زبان‌شناسان معاصر پنداره‌های آواشناسان پیشین مسلمان مانند خلیل بن احمد و سیبویه را درباره ویژگی‌های آوایی همزه مورد تردید قرار داده است. البته استفاده از تکنولوژی پیشرفته در عرصه‌های زبان شناسی جدید در نتیجه این مطالعات بی‌تأثیر نبوده است. ما کوشیده‌ایم با ارائه دیدگاه‌های آواشناسان و تجویذپژوهان مسلمان و دیگر پژوهش‌گران معاصر درباره کیفیت آوایی همزه دو دلیل عمده اختلافاتی را که درباره این حرف پدید آمده مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم.

کلید واژه‌ها: همزه، گویش، تحقیق، تخفیف، تسهیل، قرائت، کتابت، قرآن، مصحف.

ویژگی‌های آوایی همزه

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های تقسیم‌بندی حروف نزد زبان‌شناسان دو ویژگی «واکداری» و «بیواکی» هم خوانهاست^۱ آواشناسان و تجویدپژوهان مسلمان که از دیرباز با شوق و رغبت فراوان به تلاوت قرآن و ثبت و ضبط دقیق الفاظ وحی همت گماردند با تحقیق و کاوش در مسایل زبانی قادر گردیدند بدون دسترسی به تجهیزات پیشرفته، اندام‌های گفتاری و شیوه تولید آوای زبان عربی را به روشی منظم طرح و توصیف نمایند ایشان هنگام تقسیم‌بندی حروف آنها را به دو گروه «مجهور» و «مهموس» تقسیم نمودند^۲ که آن را می‌توان در راستای همین دو ویژگی و شاخصه «واکداری» و «بیواکی» تفسیر نمود اختلاف دیدگاه میان آواشناسان معاصر و متقدم درباره کیفیت آوایی حرف همزه نیز به نوع تلقی ایشان از وجود یا فقدان این دو شاخصه از این حرف مربوط می‌گردد.

از دیدگاه آواشناسان معاصر عرب همزه از حنجره تولید می‌شود ابراهیم انیس (ص ۸۵) معتقد است: «مخرج همزه با حالت تحقیق چاکنای است. زیرا هنگام تلفظ همزه، چاکنای کاملاً بسته می‌شود و اجازه عبور هوا به حلق را نمی‌دهد، سپس ناگهان چاکنای باز می‌شود و صدای انفجاری شنیده می‌شود که از آن به همزه تعبیر می‌گردد». در این خصوص دیدگاه آواشناسان فارسی‌زبان با آواشناسان معاصر عرب کاملاً

۱. به آوایی که در تولیدشان تارهای صوتی به ارتعاش می‌آیند و اصطلاحاً در حالت واک‌سازی هستند آوای واک‌دار می‌گویند و به آوایی که در تولیدشان بین تارهای صوتی فاصله است به طوری که چاکنای باز است و هوای بازدم به راحتی از حنجره عبور می‌کند و تارهای صوتی مرتعش نمی‌شوند آوای بی‌واک گویند با گذاشتن انگشت روی سبب آدمی (برآمدگی زیر گلو) می‌توان به لرزه‌ها و ارتعاش تارهای صوتی پی برد (یارمحمدی، ۵۳).

۲. جهر برداشتن آواز بود و حروف او هیجده است «ظل قود بض اذ غز جند مطیع» و این حروف را مجهوره گویند زیرا در تلفظ ایشان آواز برداشته می‌شود به حدی که نفس بسته می‌شود و همس ناپرداشتن آواز بود و حروف وی ده بود «حنت کسف شخصی» و این حروف را مهموسه گویند جهت اینکه در ادای ایشان آواز به نرمی بیرون آید و بستگی در نفس پیدا نمی‌شود و همس و جهر ضد یکدیگرند (چرحانی، ۱۸).

همسویی دارد ابن سینا (ص ۶۰) در این باره می‌گوید: «همزه از آن پدید می‌آید که هوای بسیار از حجاب عضله سینه رانده شود و طرح‌هایی اندک زمانی با رانده شدن هوا مقاومت کند سپس به وسیله عضله کشانیده، دفع و از جا کنده شود و هوا با آن پرتاب گردد».^۱ سپنتا (ص ۶۱) معتقد است: «همزه در زبان فارسی امروز از گروه صامت‌هاست و از نظر شیوه تولید در ردیف صامت‌های انسدادی بشمار می‌آید، انسداد یا گشایش ناگهانی چاکنای باعث ایجاد همزه می‌شود که آن را بستواج چاکنایی می‌نامند». زبان‌شناسان غربی نیز از این ویژگی آوایی همزه به «گرفت تارآواها» تعبیر کرده‌اند. هاکت در این باره می‌گوید: «ممکن است تارآواها به طور محکم کشیده شوند آنچنان که این انسداد مانع عبور هوا شود و این حالت باعث ایجاد بست چاکنایی گردد» (همو، ۶۲).

توصیفات زبان‌شناسان از همزه کاوشگر را به دو مرحله‌ای بودن پیدایش و تولید این حرف رهنمون می‌سازد مرحله اول «منع جریان هوا» یا «بست چاکنای» و مرحله دوم «دفع ناگهانی هوا» یا «ایجاد صدای انفجاری».

جستار در دیدگاه‌های آواشناسان چنین می‌نمایاند که ایشان در تبیین مرحله دوم دچار اختلاف شده‌اند و خاستگاه این اختلاف به نوع نگرش ایشان به دو شاخصه جهر و همس مربوط می‌گردد در این باره سه دیدگاه گوناگون ارائه گردیده که عبارتند از:

۱- همزه دارای صوتی «مجهور» است: این دیدگاه منتسب به خلیل بن احمد و سیبویه و جمهور تجویدپژوهان است، ایشان معتقدند: همزه دارای صفت جهر «واکداری» است. از مخالفین این گروه کمال محمد بشر است. وی می‌گوید: «عرب در وصف همزه به جهر توفیق نیافته است زیرا ممکن نیست همزه مجهور باشد». وی در توجیه این نظر خود می‌نویسد: «چه بسا دلیل این امر آن باشد که آنها همزه را به دنبال حرکت تلفظ نموده‌اند و حرکت نیز مجهور است پس جهر حرکت بر نطق همزه تأثیر گذارده و آنها جهریت حرکت را به همزه نسبت داده‌اند. علاوه بر آن می‌بینیم با وجود آنکه همزه را مجهور دانسته‌اند آنرا جزو حروف قلقله نیاورده‌اند در حالی که قلقله از

۱. ابن سینا حنجره را مرکب از سه غضروف می‌داند یکی در جلو و دیگری در پشت آن و غضروف سوم را مانند کاسه‌ای که بر آن دو واژگون شده است و اصطلاح طرح‌هایی را برای غضروف سوم آورده است (ص ۵۶).

ترکیب صفت جهر و شدت حاصل می‌شود» (بشر، ۱۱۵).

آلری نیز در نقد و توجیه این نظریه می‌گوید: «علت اینکه دانشمندان مسلمان همزه را مجهور دانسته‌اند به این دلیل است که ایشان آهنگ همزه را از حرکت مجزا نمی‌کردند و صوت مصوت کوتاه را از خود حرف صامت می‌دانستند» (آذرنوش، همزه، ۱۳۷).

۲- همزه دارای صوتی «مهموس» است: این دیدگاه منتسب به آگوست هفتر، عبدالرحمن ایوب، محمد خولی و تمام حسان از آواشناسان معاصر است. به نظر می‌رسد ایشان تنها مرحله دوم تولید همزه را که با دفع ناگهانی هواست و تارهای صوتی در وضعیت همس قرار دارند در نظر گرفته‌اند. اشکالی که به این دیدگاه وارد می‌باشد این است که تکوین و پیدایش حرف همزه در گرو ایجاد هر دو مرحله «بست چاکنای» و «خروج ناگهانی هوا» است و این هر دو مکمل یکدیگرند به گونه‌ای که نمی‌توان یک مرحله را بدون مرحله دیگر در نظر گرفت.

۳- همزه دارای صوتی است که فاقد هر دو ویژگی «جهر» و «همس» است: این دیدگاه منتسب به گروهی از آواشناسان عرب‌زبان معاصر همانند ابراهیم انیس، کمال محمد بشر و زبان‌شناس غربی دانیل جونز است که به اعتقاد ایشان همزه نه مجهور است و نه مهموس زیرا وضعیت تارآواهای صوتی در تلفظ همزه با آنچه که جهر و همس نامیده می‌شود تناسبی ندارد، بخصوص در مرحله اول یعنی هنگام قطع نفس یا «بست چاکنای» که تارآواها در وضعیتی قرار دارند که متصف به جهر و همس نمی‌گردند بنابراین همزه آوایی انفجاری است که نه مهموس است و نه مجهور (ستوده‌نیا، ۶۴).

جدیدترین دیدگاه درباره آوای همزه همین دیدگاه اخیر است. بنابراین توصیف حبس کامل هوا در چاکنای و باز شدن ناگهانی آن فرایندی است که بیش از هر آوای دیگر نیازمند فعالیت عضلانی است و همین باعث گردیده که همزه دارای سخت‌ترین آواها باشد، همان‌گونه که تجویدپژوهان از آن به «انقل الحروف» یاد کرده‌اند.

گوش‌های آوایی همزه در جزیره‌العرب

یکی از پدیده‌های زبانی در هر کشوری، «زبان مشترک» است که همه بدان سخن می‌گویند. پیدایش زبان مشترک ادبی در جزیره‌العرب پیش از اسلام در شهر مکه به

ظهور رسیده است. عواملی همانند وجود کعبه و انجام مراسم حج، برگزاری انجمنهای متعدد ادبی شعر و خطابه، تجارت‌پیشگی مردم مکه و اقتدار مالی و سیاسی ایشان باعث پیدایش اجتماعات بزرگی از اعراب در این مکان و آمیزش آنان با یکدیگر می‌گردید که پیدایش زبان ادبی مشترک را به دنبال داشته است و به دنبال آن نزول قرآن کریم به این زبان، بر رشد و شکوفایی آن افزوده است. این زبان بیشترین اجزاء و عناصر خود را از گویش قریش کسب کرده و این گویش نیرومندترین تأثیر را در پیدایش زبان عربی فصیح گذارده است. چند ویژگی مهم زبان مشترک عبارت است از اینکه در سطحی بالاتر از زبان عموم مردم قرار دارد و زبان آثار ادبی است؛ دیگر آنکه زبانی مستقل و منسجم است (عبدالنواب، ۹۲).

بدون تردید قرآن برترین نمونه زبان مشترک و ارزنده‌ترین اثر زبان عربی است زیرا اعراب از هماوردی با آن عاجز و درمانده بودند. دیگر اینکه زبان قرآن زبانی مستقل است و عناصر تشکیل دهنده آن به اجتماع و محل مشخصی وابسته نیست. برای نمونه، با اینکه قرآن در محیط حجاز نازل گردیده و قریش و همسایگان وی هنگام سخن گفتن همزه را تلفظ نمی‌نمودند، زبان مشترک این ویژگی را از قبایل بدوی تمیم و همسایگان او در خود جذب کرده بود و خطبا و شعرا هنگام سخن گفتن همزه را تلفظ می‌کردند. ابن منظور (۱/۱۴) از ابوزید انصاری (د. ۱۴۱۴ ق.) روایت کرده است که «اهالی حجاز، هذیل، مکه و مدینه، از همزه استفاده نمی‌کنند. عیسی بن عمر این مطلب را شنیده و گفت: از تمیم فقط همزه را می‌گیریم، ایشان هستند که در کلام خویش همزه دارند اما اهل حجاز از سرناچاری آن را به کار می‌برند»^۱.

حال آن که در اغلب کتابهای ادب عربی ملاحظه می‌شود لغت شناسان، لهجه‌های شرقی جزیره‌العرب و بخصوص لهجه قوم تمیم را فصیح‌تر و پاک‌تر از لهجه‌های غربی یعنی حجاز می‌دانند، با این حال ایشان به دلایل مذهبی، خاصه بزرگداشت قومی که پیامبر (ص) از آن برخاسته است، زبان فصیح عربی را همان لهجه قریش می‌پنداشتند (آذرنوش، تاریخ زبان، ۴۷).

۱. قال ابو زید: اهل الحجاز و هذیل و اهل مکه و المدینة لاینبرون. وقف علیها عیسی بن عمر فقال: ما آخذ من قول تمیم الا بالنبر و هم اصحاب النبر، و اهل الحجاز اذا اضطروا نبروا.

از شواهد بسیار مفصلی که دانشمندان صرف و نحو و لغت و تفسیر و قراءات به دست داده‌اند، دانسته می‌شود که فصاحت لهجه ساکنان نجد بویژه بنوتیمیم از زبان قریش دست کمی نداشته یا به عبارت دیگر مقدار نزدیکی لهجه بنوتیمیم به «زبان ادبی مشترک» کمتر از لهجه قریش به آن نبوده است. بنابراین زبان ادبی مشترک بین اعراب تنها زبان قریش نیست زیرا در این زبان همزه وجود دارد. از امام علی (ع) روایت شده که فرمودند: «قرآن به زبان قریش نازل شده و قریشیان اصحاب «نبر» نیستند (= همزه را تلفظ نمی‌کنند)؛ اگر جبرئیل (ع) همزه را (در آیات قرآن) بر پیامبر (ص) نازل نکرده بود، هر آینه از تلفظ آن خودداری می‌کردیم. اما اقوام دیگر آن را محقق می‌دارند (= تلفظ می‌کنند) و تحقیق همزه (= نگاه داشتن آن) مانند دیگر حروف اصل است و تخفیف آن استحسان»^۱ (استرآبادی، ۱۳۹/۳).

در گویش‌های عربی در دوران اسلامی، همزه به تخفیف و فرار از تلفظ کامل میل پیدا کرده است که در این صورت نیاز به فعالیت عضلانی ندارد، گاهی همزه ساکن در گفتار حذف می‌شود و به جای آن، آوای لینی قبل از همزه کشیده می‌شود. بعضی از قراء «یؤمنون» را «یومنون» و «ذئب» را «ذیب» و «رأس» را «راس» تلفظ می‌کنند (انیس، ۸۵).

روش‌های تخفیف آوای همزه در قراءات:

روش‌هایی که قراء برای تخفیف همزه به آنها پناه می‌برند عبارتند از:

- ۱- تسهیل یا بین شدن همزه: و آن همزه‌ای است که نه کاملاً تلفظ می‌شود و نه از میان می‌رود و نه به حرف دیگری تغییر می‌یابد.
- ۲- حذف همزه در گفتار و کشیدن آوای لینی ماقبل آن، گویا همزه در اینجا نیز ساکن است و یا حرکتش به حرف ساکن پیش از آن انتقال یافته، مانند: «قَدْ فَلَخَ» در «قَدْ أَفْلَحَ» و «قُلُّو حِیَّ» در «قُلُّ أَوْ حِیَّ».
- ۳- ابدال کامل همزه به حرف مدی یا مصوت بلند: مانند: «ءَأَنْذَرْتَهُمْ» در «ءَأَنْذَرْتَهُمْ»

۱. آذرنوش در این باره می‌گوید: صحت روایتی که نقل شده است در نظر ما مسلم نیست. پنداری دانشمندان مسلمان نظر به احترام و محبتی که نسبت به قوم پیشوای اسلام داشتند خواسته‌اند غلبه لهجه‌های غیر از لهجه قریشی را به نحوی توجیه کنند (نک: مقالات و بررسیها، دفتر ۱۷-۱۸، ص ۱۳۲).

و «ءَأَلِدُّ» در «ءَأَلِدُّ» یا به حرف غیر مدی مانند: «أَيْنَكُم» در «أَيْنَكُم» و «أَيَّمَةَ» در «أَيَّمَةَ». دامنهٔ عدم وحدت رویه گویش‌های عربی قبایل نجد و حجاز درباره تلفظ در قراءات قرآن کاملاً چشمگیر است. نقل روایت‌های معتبری که قرائت قرآن براساس آنها جایز به شمار آمده است، سند قابل اعتباری برای این موضوع تلقی می‌گردد به طوری که قاعده تسهیل و ابدال و حذف همزه از ویژگیهای قرائت اساتید و مشایخ حجاز مانند نافع مدنی و ابن کثیر مکی و گاه ابو عمرو بصری است که اسناد قرائت وی به قاریان حجاز منتهی می‌گردد. در اینجا برای تبیین بهتر موضوع نمونه‌هایی از اختلاف قراء سبعة دربارهٔ ادای همزه را در دو جدول جداگانه ارائه می‌نماییم، همان‌گونه که مشاهده می‌گردد بیشترین موارد اختلاف در ابدال و تسهیل و تخفیف همزه مربوط به قاریان منسوب به حجاز می‌باشند.

جدول مقایسه اختلاف قراء سبعة هنگام اجتماع دو همزه در ابتدای کلمه

| | | | | |
|----------------------|----------|----------|----------------|--|
| ابو عمرو | ابن کثیر | ورش | قالون | اجتماع دو همزه مفتوح در ابتدا |
| تسهیل | تسهیل | تسهیل | تسهیل | ءانذرتهم، ءاسجد، ءأسلمتم، ءانت، ءأمنتم، ءالد |
| همزه دوم با مد | همزه دوم | همزه دوم | همزه دوم با مد | |
| ابو عمرو | ابن کثیر | ورش | قالون | اجتماع دو همزه مفتوح و مکسور |
| تسهیل | تسهیل | تسهیل | تسهیل | أئنکم، أءله، أءذا، ائفکا، ائنا، ائمه |
| همزه دوم با مد | همزه دوم | همزه دوم | همزه دوم با مد | |
| ابو عمرو | ابن کثیر | ورش | قالون | اجتماع دو همزه مفتوح و مضموم |
| تسهیل | تسهیل | تسهیل | تسهیل | أونئکم، أءنزل، أولقی |
| همزه دوم با مد و قصر | همزه دوم | همزه دوم | همزه دوم با مد | |

| | | | | | | |
|---|----------------------------|----------------|----------------|----------------|----------------|----------------|
| اجتماع دو همزه مفتوح در ابتدا | هشام | ابن ذکوان | حفص | شعبه | همزه | کسایی |
| ءأندرتهم، ءأسجد، ءأسلمتم، ءأنت، ءأنتم، ءألد | تحقیق همزه دوم با مد و قصر | تحقیق همزه دوم | تحقیق همزه دوم | تحقیق همزه دوم | تحقیق همزه دوم | تحقیق همزه دوم |
| اجتماع دو همزه مفتوح و مکسور | هشام | ابن ذکوان | حفص | شعبه | همزه | کسایی |
| أنتنکم، أهله، أءذا، أنتفکا . أنتا، ائمه | تحقیق همزه دوم با مد و قصر | تحقیق همزه دوم | تحقیق همزه دوم | تحقیق همزه دوم | تحقیق همزه دوم | تحقیق همزه دوم |
| اجتماع دو همزه مفتوح و مضموم | هشام | ابن ذکوان | حفص | شعبه | همزه | کسایی |
| أؤبئکم، أءنزل، أؤلفئ | تحقیق همزه دوم با مد و قصر | تحقیق همزه دوم | تحقیق همزه دوم | تحقیق همزه دوم | تحقیق همزه دوم | تحقیق همزه دوم |

از مقایسه میان دو جدول ارائه شده که با تلخیص از گفتار اجتماع دو همزه در کتاب التیسیر فی القراءات السبع امام ابو عمرو دانی برگرفته شده است (ص ۳۱ و ۳۲)، تفاوت در گویش قاریان منسوب به حجاز یعنی نافع به روایت ورش و قالون و ابن کثیر و ابو عمرو که به نوعی نسبت به ادای همزه تساهل ورزیده و هنگام اجتماع دو همزه دومی را تسهیل نموده اند آشکار می گردد. این در حالی است که گویش قاریان دیگر که عمدتاً به نواحی شرقی عربستان منسوب می باشند نسبت به تحقیق و ادای کامل همزه تأکید می نمایند.

شیوه نگارش همزه در مصاحف عثمانی

فقدان تصویری مستقل برای نشان دادن آوای «همزه» در مصحف‌ها از دیگر دشواری‌های این حرف به شمار می‌آید، به همین دلیل حرف «الف» در لغت سامی نقش دوگانه‌ای در دلالت بر «همزه» و هم «مصوت بلند» ایفاء کرده است، اگر چه این نقش برای دو حرف دیگر «واو» و «یاء» هم دارای مصادیق متعددی بوده است. البته کاربری این حروف در نقش «همزه» به زمان‌های پیش از نگارش مصاحف عثمانی بازمی‌گردد که به تدریج به نسل‌های بعدی رسیده است؛ بنابراین برای نشان دادن «همزه» در کتابت و خط عربی دو شیوه امکان‌پذیر بوده است که عبارتند از:

۱- نگارش «همزه» موافق با گویش قبیله بنی تمیم و همسایگانش که آن را همیشه آشکار و به «تحقیق» می‌خوانده‌اند در این حالت علامت همزه فقط حرف «الف» بوده است.

۲- نگارش «همزه» با استمداد از سه حرف «الف» و «واو» و «یاء» موافق با گویش قبیله قریش و همسایگانش که آن را همیشه ناآشکار و به «تسهیل و ابدال» و بدون «نبر» می‌خوانده‌اند.

با مراجعه به متن مصحف‌های عثمانی درمی‌یابیم که نویسندگان این مصاحف در نگارش «همزه» بیشتر از روش دوم سود جستند و در شیوه نگارش این حرف از گویش قریش پیروی کرده‌اند در این مورد ابوعمروالدانی ضمن اینکه با مطلق‌انگاری نگارش همزه در مصاحف براساس گویش قریش تردید ورزیده، به این حقیقت اشاره کرده است و می‌گوید (ص ۱۵۱): «همزه مطابق با دو روش تحقیق و تخفیف قابل تصور است جز اینکه بیشتر موارد در رسم عثمانی مطابق با تخفیف است دلیل آن نیز این است که کسانی که به نگارش مصاحف عثمانی در زمان عثمان اقدام کردند از قریش بودند و گویش آنها تخفیف همزه بود و هر جا بین قریش و انصار اختلافی در کتابت پیش می‌آمد مطابق با گویش قریش نگاشته می‌شد... به همین دلیل است که همزه در بیشتر موارد مطابق با تخفیف نگاشته شده زیرا تخفیف همزه در طبع آنها جا گرفته و بر زبان ایشان جاری بود». براساس چنین درکی از حقیقت همزه، دو نکته قابل توجه است:

اول اینکه «همزه» در رسم الخط مصاحف عثمانی در اول کلمه اثبات شده زیرا نزد

همه قراء به تحقیق خوانده شده، بنابراین بهمراه هر حرکتی بوده، همیشه به شکل الف نگاشته شده است؛ اگر چه بر ابتدای آن حرف زایدی قرار گرفته باشد مانند: «أَخَذْنَا»، «إِبْرَاهِيمَ»، «بِأَيِّ»، «فَلِأَيِّهِ»، «أُرْسِلَ»، «سَأُنزِلَ».

دوم اینکه در قرائت همزه به روش تخفیف، آنچه خوانده می شود همزه نیست بلکه مصوت بلند یا حرف لین است که جانشین همزه شده است.

انواع نگارش همزه در مصاحف عثمانی

همان گونه که پیشتر اشاره نمودیم، نشانه اصلی همزه در مصاحف عثمانی همان «الف» است و هر جا «همزه» به تحقیق و نبر خوانده شود، به شکل «الف» نگاشته شده و در غیر این حالت با استمداد از دو حرف دیگر «واو» و «یاء» به کتابت درآمده است، بنابراین وقوع همزه در سه حالت متصور می گردد: اول کلمه، وسط کلمه، آخر کلمه.

۱- شکل همزه در اول کلمه: از آنجا که همزه در ابتدای کلمه هیچ گاه به تخفیف قرائت نگردیده، نگارش آن مطابق با اصل و به شکل «الف» بوده است، لذا در مصاحف عثمانی مشاهده می گردد که همزه در ابتدای کلمه با هر سه حرکت فتحه، کسره و ضمه به صورت الف نگاشته شده است (دانی، ۶۰) مانند: «أَمْرًا، أَيُّوبَ، إِسْحَاقَ، إِسْمَاعِيلَ، أُمِّيَّ، أَوْلَادِكَ». همین حکم با افزودن حرف زاید بر همزه نیز جریان دارد مانند: «أَفَأَنْتَ، لِأَيِّلافٍ، لِأَقْطَعَنَّ».

۲- شکل همزه در وسط کلمه: از آنجا که همزه در وسط کلمه غالباً در معرض تخفیف و تسهیل است، کاتبان مصحفها برای نشان دادن همزه از سه حرف مدی یعنی مصوت های بلند «الف» و «واو» و «یاء» استفاده کرده اند. ابن جزری (۱/۴۴۶) در این باره می گوید: «اگر همزه در حال تخفیف، الف یا همانند الف باشد به صورت «الف» نوشته می شود و اگر یاء و یا مانند یاء باشد به صورت «یاء» نوشته می شود و اگر واو و یا مانند آن باشد به صورت «واو» نوشته می شود و اگر به سبب نقل و یا ادغام و یا غیر آن حذف گردد در این صورت حذف می شود مگر اینکه در اول کلمه باشد که در این صورت همیشه به شکل الف نگاشته می شود».

براساس قرائت قاریان و راویان آنها، حرف همزه گاهی به صورت بین بین تسهیل

شده و گاهی به طور کامل ابدال گردیده و در این حالت خوانده نشده است. برای اشاره به این حالت‌ها مصاحف عثمانی همزه را به گونه‌های متفاوت نمایانده‌اند که اجمالاً به آنها اشاره می‌نماییم:

الف. نگارش «همزه» هنگام تسهیل بین بین با استفاده از حرف مدی (یاء)

۱- فتحة + همزه مکسور (= َء) مانند: «لَيْنَ، لِيَطْمَئِنَّ، تَطْمَئِنَّ، مُطْمَئِنَّةً، حَيْثُذِي، يَوْمِئِذٍ، يَيْسَسْ، يَيْشُوا، يَيْسُنَ».

۲- كسره + همزه مکسور (= ِء) مانند: «يَوْمِئِذٍ، بَارِكُمْ، الصَّابِئِينَ، خَاسِئِينَ، الْمُسْتَهْزِئِينَ، الْخَاطِئِينَ، مُتَكِبِينَ».

۳- ضمه + همزه مکسور (= ُء) مانند: «سُئِلَ، سُئِلَتْ، سُئِلُوا».

۴- كسره + همزه مضموم (= ْء) مانند: «أَنْبِئُكُمْ، يُنَبِّئُهُمْ، سَنَقَرِئُكَ».

۵- الف + همزه مکسور (= اء) مانند: «قَائِمٌ، ضَائِقٌ، طَائِفَةٌ، سَائِبَةٌ، دَائِرَةٌ، طَائِفَتَانِ، قَائِمًا، الضُّمُوتِ، أَنْبَاءِكُمْ، السَّرَائِرِ».

ب. نگارش «همزه» هنگام ابدال کامل با استفاده از حرف (یاء)

۱- كسره + همزه مفتوح (= َء) مانند: «فَيْتَةً، حَمِيَّةً، مُلْتًا، نَاشِئَةً، شَانِئَكَ، رِئَاءَ، تُنَشِئُكُمْ، لِيَبْطِئَنَّ».

۲- كسره + همزه ساكن (= ِء) مانند: «جِئْتِ، جِئْتِكُمْ، شِئْتُمَا، شِئْتُمْ، أَنْبِئُهُمْ، نَبِّئُهُمْ، لَمُلِئْتَ، بَشَسَ، الذِّئْبِ».

۳- ياء مدی + همزه متحرک (= ِءِ، ِءِ) مانند: «حَطِئْتَهُ، حَطِئْتَهُ، بَرِئْتُونَ، سِيئْتِ».

۴- ياء لینی + همزه متحرک (= ِئِ، ِئِ) مانند: «كَهَيْئَةٍ».

۵- واو لینی + همزه متحرک (= ِوِ، ِوِ) مانند: «مَوَائِلًا».

ج. عدم نگارش «همزه» هنگام حذف به دلیل خودداری از اجتماع دو حرف

هم شکل (واو) در خط

۱- كسره + همزه مضموم + واو مدی (= ِوِ، ِوِ) مانند: «مُسْتَهْزِئُونَ، مُتَكِبُونَ، مَوَائِلًا، مَوَائِلًا، أَنْبِئُونِي، نَبِّئُونِي، لِيُؤَاظِ مَوَائِلًا، يَطْفِئُوا».

د. نگارش «همزه» هنگام تسهیل بین بین با استفاده از حرف مدی (واو)

۱- فتحة + همزه مضموم (= ْء) مانند: «تَقْرُؤُهُ، تَوْزُّهُمْ، يَبْنُوهُمْ، يَكَلُّوْكُمْ، يَذَرُّوْكُمْ».

لَتَبَيَّنَنَّ».

۲- الف + همزه مضموم (= اء) مانند: «ءَابَاؤُهُمْ، جَزَاؤُهُمْ، اُنْبَاؤُكُمْ، اُجْبُوهُ، مَاؤُهَا، دِمَاؤُهَا، هَاؤُمْ، هُنَّوَلَاءُ».

ه. نگارش «همزه» هنگام ابدال کامل با استفاده از حرف مدی (واو)

۱- ضمه + همزه مفتوح (= ءِء) مانند: «يُؤَيِّدُ، يُؤَدِّهِ، يُؤَخِّرُ، يُؤَلِّفُ، مُؤَدِّنٌ، مُؤَجِّلًا، الْمُؤَلِّفَةُ».

۲- ضمه + همزه ساکن (= ءُء) مانند: «يُؤْمِنُ، يُؤْتِي، يُؤْذِي، يُؤْفِكُ، يُؤَلِّنُ، تُؤَثِّرُونَ، تَسْتُوهُم، سَتُوْتِيَهُمْ، مُؤْمِنٌ، مُؤْمِنَةٌ، الْمُؤْمِنُونَ، الْمُؤْتَفِكَةُ، سُوْلُكٌ». از این مورد تنها یک کلمه استثناء گردیده و حرف همزه در آن نگاشته نشده است و آن کلمه الرُّؤْيَا، رُوِيَاكُ است.

و. عدم نگارش «همزه» به دلیل خودداری از اجتماع دو حرف (واو) در خط

۱- فتحة + همزه مضموم + واو مدی (= ءَو) مانند: «بَدَّوْكُمْ، يَقْرَؤُونَ، لِيَهْوَسَ، يَدْرَؤُونَ، مُبَرِّؤُونَ، يَطَّؤُونَ».

۲- ضمه + همزه مضموم + واو مدی (= ءُء و) مانند: «رُؤْسُكُمْ، رُؤْسُكُمْ، رُؤْسُهُمْ».

۳- ضمه + همزه ساکن + واو غیر مدی (= ءُءو) مانند: «رُؤْيُكُمْ، رُؤْيُكُمْ».

۴- واو لینی + همزه متحرک (= ءَوء) مانند: «سَوَّءَهُ، سَوَّءَهُمَا، سَوَّءْتِكُمْ، الْمَوَّؤَدَةُ».

ز. نگارش «همزه» هنگام تسهیل بین بین با استفاده از حرف (الف)

۱- فتحة + همزه مفتوح (= ءِء) مانند: «سَأَلْتُكَ، بَدَأْتُكُمْ، نَبَأَهَا، نَبَرَّأَهَا، لَأَمْلَأَنَّ، اِشْمَأَزْتُ، دَأْبًا، مَنَسَأْتَهُ، اِمْرَأَتَهُ، اِمْرَأَاتِنَ». ابو عمرو دانی (ص ۲۵-۲۶) به نقل از مصاحف مدینه و عراق «لَأَمْلَأَنَّ سَنَ» را در همه قرآن و «اَطْمَأَنَّوْا» در سوره یونس و «اِشْمَأَزْتُ» در سوره زمر و «اِمْتَأَنَّوْا» در سوره ق را با حذف الف روایت کرده است.

۲- فتحة + همزه ساکن (= ءِء) مانند: «يَأْتِي، يَأْتِي، فَلَآتُسُ، يَأْتِي، يَأْمَنُ، يَأْمُرُكُمْ، اِمْتَأَنَاتٍ، يَسْتَأْخِرُونَ» این کلمه تنها در سوره اعراف/ ۳۴ با الف نوشته شده و در دیگر موارد الف آن حذف گردیده است؛ رَأَى، دَأْبٌ، شَأْنٌ، الْبَأْسُ، رَأْفَةٌ، مَأْكُولٌ، مَأْمُونٌ،

المأوی، تأویل، البأساء، تستأنسوا».

۳- ساکن + همزه مفتوح (= ءَ) مانند: «التَّشَاءُ». دانی (ص ۴۳) می‌گوید: «کاتبان مصاحف اتفاق دارند بر اینکه در این کلمه بعد از شین، الف را بنگارند و حرف همزه‌ای که در وسط کلمه بعد از حرف ساکن آمده باشد جز در این مورد و کلمه «مَوْثِلًا» در سوره کهف نمی‌شناسیم.

ح. عدم نگارش «همزه» هنگام تسهیل بین

۱- فتحه + همزه مفتوح + الف (= ءَ) مانند: «سَهَّ سَاوِي، رَسَاكَ، الْمَسَاب، شَنَّهُ سَانَ، الْمُئِنَّدَ سَات».

۲- الف + همزه مفتوح (= ءَ) مانند: «أَصَا سَت، جَا سَت، تَسَا سَلُون، بَرَا سَةَ، لِقَا سَنَا، دُعَا سَه، غِطَا سَكَ، وَرَا سَهُم، شُهَدَا سَكَم، أَدْعِيَا سَكَم».

۳- ساکن + همزه متحرک (= ءَ، ءُ) مانند: «يَسَّهُ سَلْ، فَسَّهُ سَلْ، يَسَّهُ سَمْ، يَسَّهُ سَمُون، تَجُّ سَرُون، شَطُّ سَه، الْمَشُّ سَمَةَ، سَاكَ سَن، الْقُرُّ سَانَ، الصَّمُّ سَانَ».

۴- فتحه + همزه ساکن (= ءَ) مانند: «يَسَّهُ سَخِرُون [جز آنکه در سوره اعراف/ ۳۴ آمده است]، يَسَّهُ سِذْن، يَسَّهُ سِذْنُوك، اسْتَه سِذْنُوك، اسْتَه سَجْرَت، اسْتَه سَجْرَه، الْمُسْتَه سَخِرُون، مُسْتَه سِنِين».

درباره حذف نگارش الف که در نظیر این کلمات حرف «همزه» می‌باشد، قدوری (ص ۳۳۹) معتقد است: «نویسندگان مصاحف به دلیل کثرت حروف و طولانی بودن این کلمات حرف الف را حذف نموده‌اند».

۳- شکل همزه در پایان کلمه: از آنجا که در زبان عربی و قرآن پایان کلمات در معرض وقف و سکون قرار دارند و حرفی که در آخر واقع می‌شود همواره در وقف ساکن می‌گردد، تخفیف همزه در پایان کلمه به نوعی به حرف قبل از آن پیوند می‌خورد. بنابراین گاهی حرف پیش از همزه، متحرک و گاهی ساکن است لذا جایگزینی همزه پایانی به دوگونه نشان داده می‌شود:

الف - نگارش همزه پایانی پس از حرف ساکن:

در این باره همه نویسندگان مصاحف نسبت به عدم نگارش و حذف همزه از رسم مصحف هم عقیده‌اند. فزّاء (۲/ ۶۹) دلیل حذف همزه این کلمات را پنهان بودن همزه و

سکوت بر آن هنگام وقف می‌داند. شکل‌های گوناگونی که از این نوع در مصحف‌ها وجود دارد عبارتند از:

- ۱- ساکن صحیح + همزه متحرک (= ءَ، ءِ، ءُ) مانند: «مَلَّ، دَفَّ، الْحَبُّ، الْمَرْوُ».
- ۲- ساکن صحیح + همزه متحرک منون منصوب (= ءَءًا) مانند: «جَزَّ، حِطَّ، وَطَّ».
- ۳- ساکن لینی + همزه متحرک (= وَ، وِ، وُ) مانند: «السُّو، سَوَّ، شَى».
- ۴- ساکن لینی + همزه متحرک منون منصوب (= ءَءًا) مانند: «شَى».
- ۵- ساکن مدی الف + همزه متحرک (= اَ، اِ، اُ) مانند: «شَا، جَا، إِيَّاهُ، ابْتِغَاهُ، تَلْقَاهُ، شَهَدَاهُ، أَغْنِيَاهُ، شَفَعَاهُ، حُنْفَاهُ، السَّمَاءُ، النِّسَاءُ، فُقْرَاهُ، يَشَاهُ، صَفْرَاهُ، جَزَاهُ، عَطَاهُ، الْفُقْرَاهُ، الْأَخِلَّاءُ، شُرَكَاهُ، أَسْمَاهُ، لِقَاهُ، غِطَاهُ، مَا، مَشَاهُ، الْخُلَطَاءُ، أَنْبَاهُ». از این گروه کلمات «نَشَوُا، الضُّعَفُوْا، الْعُلَمُوْا، دَعَوْا، شَفَعُوْا، الْبَلُوْا، بَلَّوْا» و «تَلْقَائِي، ءَانَائِي، يَلْقَائِي، دُعَائِي» با اینکه همزه آنها پایانی است ولی به شکل همزه میانی ابا استفاده از واو و یاء نگاشته شده‌اند.
- ۶- ساکن مدی الف + همزه متحرک منون منصوب (= اَءً) مانند: «مَأَّ، عَثَّ، جُفَّ، سَوَّ».
- ۷- ساکن مدی واو + همزه متحرک (= وُوءَ، وِءِ، وُءُ) مانند: «السُّو، بِالسُّو، قُرُو».
- ۸- ساکن مدی واو + همزه متحرک منون منصوب (= وُوءًا) مانند: «سُوَّ».
- ۹- ساکن مدی یاء + همزه متحرک (= يِءَ، يِءِ، يِءُ) مانند: «سِي، جِي، تَفِي».
- ۱۰- ساکن مدی یاء + همزه متحرک منون منصوب (= يِءًا) مانند: «هَبِيَّ، مَرِيَهَ، بَرِيَهَ».

ب - نگارش همزه پایانی پس از حرف متحرک با استفاده از حروف (الف) و (واو) و (یاء).

- ۱- فتحه + همزه متحرک (= ءَ، ءِ، ءُ) مانند: «ذَرَّ، تَبَّرَّ، أَسَوَّ، حَمَّ، النَّبَا، بِالْمَلَّا، الْمَلَلَا، تَبَّأ، يُسْتَهْرَأ». از این گروه کلمات «يَبْدُوْا، أَتَوَكَّلُوْا، يَعْبُوْا، الْمَلُوْا، تَبَّوْا، تُبَّئِي» با اینکه

همزه آنها پایانی است ولی به شکل همزه میانی [با استفاده از واو و یاء] نگاشته شده‌اند.

۲- فتحه + همزه ساکن (= َء) مانند: «أَقْرَأُ».

۳- ضمه + همزه متحرک (= ُء، ِء، َء) مانند: «أَمْرُؤًا، أَلْوَلُؤًا، لُؤَلُؤًا».

۴- کسره + همزه متحرک (= ِء، َء، ُء) مانند: «قُرَيْ، اِسْتَهْزَى، اِمْرِي، شَاطِئِي، السَّيِّي، يَسْتَهْزِي، ثَبْرِي، يَبْدِي، الْبَارِي، مَوْطِنًا، خَاسِنًا».

۴- نگارش دو همزه در اول کلمه: از دیگر انواع همزه، همزه استفهام می‌باشد که همیشه بر همزه اول کلمه داخل می‌گردد و حرکت آن نیز همیشه فتحه است. از این موارد همزه دوم در مصاحف گاهی با الف، گاهی با واو و گاهی نیز با یاء نمایانده شده است. در مواردی نیز همزه نگارش نگردیده که نمونه‌های متفاوت آن عبارتند از:

۱- همزه مفتوح + همزه مفتوح (= َء َء) مانند: «أَنْذَرْتَهُمْ، أَسَلَّمْتُمْ، أَتَقَرَّبْتُمْ، أَسَأَلْتُمْ، أَتَرْبَابًا، أَتَسْجُدُ، أَتَشْكُرُ، أَتَشْفَقْتُمْ، أَلِدُّ».

۲- همزه مفتوح + همزه مضموم (= َء ُء) از این گونه در مصاحف همزه دوم یک بار با واو و دو بار بدون علامت نگاشته شده است: «أَوْتَبْتُكُمْ» (آل عمران / ۱۵) و «أَنْزَلَ» (نزل / ص ۸) و «أَلْقَى» (قمر / ۲۵).

۳- همزه مفتوح + همزه مکسور (= َء ِء) از این گونه در مصاحف همزه دوم در ده مورد با یاء نگاشته شده که عبارتند از: «أَنْتُمْ» چهار بار در (انعام / ۱۹) و (نمل / ۵۵) و (عنکبوت / ۲۹) و (فصلت / ۹) و «أَنْتَا» دو بار در (نمل / ۶۷) و (صافات / ۱۶) و «أَنْتِ» یک بار در (شعراء / ۴۱) و «أَنْدَا» یک بار در (واقع / ۴۷) و «أَنْتِ» یک بار در (یس / ۱۹) و «أَنْفَكَا» در (صافات / ۸۶). بجز در این کلمات همزه دوم نگاشته نشده است مانند: «أَسَنَكُم، أَسْنَا، أَسَدًا».

بررسی رسم الخط مصاحف عثمانی هنگامی امکان‌پذیر است که آن را خالی از هر گونه نشانه و علامت‌های تشخیص حروف که در قرون بعدی به خط اضافه گردید در نظر بگیریم. برای نمونه شکل جدید همزه «ه» را نباید در خط لحاظ کرد. بنابراین زمانی که درباره حذف همزه در خط سخن می‌گوییم، منظور حذف در مقابل واو و یاء و الف می‌باشد. در این صورت باید دانست که هنگام نگارش مصاحف عثمانی برای همزه تنها هیچ نشانه آوایی در خط زمینه وجود نداشته است و کاتبان و نویسندگان مصاحف برای

نمایاندن آن از دایره‌ای زردرنگ سود می‌جسته‌اند، از جمله کلماتی مانند: «انذرتهم، جا ۵، سو ۵، دف ۵ و...». باید توجه نمود که بسیاری از نشانه‌هایی که امروزه در نگارش مصاحف به کار می‌رود از ساخته‌های زبان‌شناس مشهور قرن ۲ق. خلیل بن احمد است مانند: علامت سکون و تشدید و همزه؛ به طوری که این نشانه‌ها قبل از وی ناشناخته بودند. او علامت همزه (ء) را از حرف (ع) گرفته است لذا گاهی به آن «العین البتراء» یعنی بریده دم هم اطلاق شده است (استرآبادی، ۳/۳۲۰). شاید دلیل این اشتقاق نزد خلیل بن احمد، نزدیکی مخارج صوتی این دو حرف با هم بوده است.

همان‌گونه که پیشتر بدان اشاره نمودیم انتشار خط در جزیره‌العرب به طور گسترده در قبیله قریش که همزه را در کلام خویش به کار نمی‌بردند، رو به افزونی گذاشت و همین موجب پیدایش مصوت‌های بلند در کلماتی مانند «راس، بیر، یومن» شد. زمانی که خلیل بن احمد دست به اختراع نمادی برای آوای همزه زد تا بدین وسیله شیوه کتابت عربی را - که در آن همزه به صورت حرکت‌های بلند متفاوت نوشته می‌شد - با شیوه گفتاری آن در زبان عربی فصیح که همزه را از گویش تمیم به عاریت گرفته و به کار می‌برد، هماهنگ سازد، هدفش آن نبود که در شیوه نگارش رایج و جافتاده در زبان عربی تغییر ایجاد کند. بنابراین وی پس از اختراع این علامت جدید که از سر شکل حرف عین (ع) گرفته بود، آن را در کلماتی که حاملی برای آن وجود داشت قرار می‌داد. مثلاً در کلمه‌ای چون «راس» همزه را بر روی الف «رأس» و در «بیر» و «یومن» بر یاء و واو «بئر» و «یومن» و آنجا که حاملی وجود نداشت، همزه را روی خط زمینه نگاشت مانند: «سما، دف، ء، انذرتهم، فمالعون، الصعبون، رءوس، یهوسا و...» (عبدالنواب، ۴۵۵، ۴۵۶).

نتیجه

پیش از اسلام خط و کتابت آن چنان که باید، نضج نیافته بود و هنوز از شکلی که در قرن‌های دوم و سوم به آن داده شده بسیار دور بود. ولی زبان عربی با وجود شاعران و خطیبان به مراحل کمال نزدیک می‌شد. این زبان که زبان ادبی و مشترک میان همه اقوام بود، همان است که قرآن بدان نازل شد. قرآن در آغاز قرائت می‌گردید و پس از چندی به

زبان کسانی که در زبان آنان همزه دچار «تخفیف» می‌شد نگارش یافت. نویسندگان قریشی قرآن، آنچه را با گوش می‌شنیدند ضبط می‌کردند، بنابراین کلماتی مانند «بأس» و «مؤمن» و «بئس» را که در حجاز به صورت «باس» و «مومن» و «بیس» تلفظ می‌شد، به همین شکل نگاشتند پس از چندی که قرآن از محدوده قبایل حجازی خارج شد و انتشاری همگانی یافت مسلمانان غیر قریشی آن را به لهجه خویش یعنی با حفظ همزه به صورت حرفی کامل قرائت کردند و همین تلفظ در همه جا رایج شد در عین حال کسی از دانشمندان و خط‌شناسان را یارای آن نبود که در نوشتار مقدس قرآن «مصحف» تغییری بدهد، یعنی نشانه‌های مصوت بلند (الف) و (واو) و (یاء) را بردارد و به جای آن شکلی که نمایشگر همزه است قرار دهد؛ تا آن زمان که خلیل بن احمد موفق به اختراع شکلی برای همزه - که آن را از سر حرف (ع) گرفته بود - و آن را بر روی این حروف قرار داد که تا به امروز مورد استعمال است.

کتابشناسی

- آذرنوش، آذرتاش، «همزه و دشواری نوشتن آن»، مقالات و بررسیها، نشریه گروه تحقیقات دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دفتر ۱۸-۱۷، تهران، ۱۳۵۳.
- همو، تاریخ زبان و فرهنگ عربی، تهران، ۱۳۷۹.
- ابن الجزری، محمد بن محمد، النشر فی قراءات العشر، به کوشش علی محمد ضیاع، قاهره، بی‌تا.
- ابن سینا، حسین، رساله اسباب حدوث الحروف (مخارج الحروف)، ترجمه دکتر نائل خانلری، تهران، ۱۳۳۳.
- ابن منظور، لسان العرب، قاهره، ۱۳۰۷.
- استرآبادی، رضی‌الدین، شرح الشافیة، به کوشش محمد الزفراف، قاهره، ۱۳۵۶.
- انیس، ابراهیم، آواشناسی زبان عربی، ترجمه ابوالفضل علامی و صفر سفیدرو، تهران، ۱۳۷۴.
- بشر، کمال محمد، علم اللغة العام، الاصوات، قاهره، ۱۹۷۱ م.
- جرجانی، میر سید شریف‌الدین حسینی، مختصر تجوید قرآن، به کوشش محمد رضا ابوترابیان، تهران، ۱۳۷۹.
- الدانی، ابو عمرو عثمان بن سعید، المحکم فی نقط المصاحف، به کوشش عزة حسن، دمشق،

۱۹۶۰م.

همو، المقنع فی معرفة مرسوم مصاحف الامصار، به كوشش محمد احمد دهمان، دمشق،

۱۹۴۰م.

ستوده نیا، محمدرضا، بررسی تطبیقی میان علم تجوید و آواشناسی، تهران، ۱۳۷۷.
سپنتا، ساسان، «همزه در زبان فارسی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان،

سال ۸، ش ۹، (۱۳۵۲).

شاهین، عبدالصبور، القراءات القرآنیة فی ضوء علم اللغة الحديث، قاهره، ۱۹۹۶م.

عبدالتواب، رمضان، مباحثی در فقه اللغة، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد، ۱۳۶۷.

فراء، ابوزکریا یحیی بن زیاد، معانی القرآن، به كوشش محمد علی نجار، قاهره، ۱۹۵۵م.

قدوری الحمد، غانم، رسم الخط مصحف، ترجمه یعقوب جعفری، تهران، ۱۳۷۶.

یارمحمدی، لطف الله، درآمدی به آواشناسی، تهران، ۱۳۶۴.